

به نام خدا
ویژه نامه فرهنگی
حوراء

نشریه فرهنگی، علمی، خبری پایگاه مقاومت بسیج مرکز آموزشی درمانی رازی رشت

«فاطمه حوراء» انسیه فکلما اشتقت الی رائحه الجنه شممت رائحه ابنتی فاطمه»

فاطمه فرشته ای در سیمای انسان است، هر گاه مشتاق بوی بهشت می شوم دخترم فاطمه را می بویم. پیامبر اکرم (ص)

شماره ششم

فروردین ۱۳۹۳

میلاد سرور زنان عالم باغ
در شیعینان مبارک باد

به نام خدا
ویژه نامه فرهنگی
حوراء

نشریه فرهنگی، علمی، خبری پایگاه مقاومت بسیج مرکز آموزشی درمانی رازی رشت

«فاطمه حوراء» انسیه فکلما اشتقت الی رائحه الجنه شممت رائحه ابنتی فاطمه»

فاطمه فرشته ای در سیمای انسان است، هر گاه مشتاق بوی بهشت می شوم دخترم فاطمه را می بویم. پیامبر اکرم (ص)

شماره ششم

فروردین ۱۳۹۳

میلاد سرور زنان عالم باغ
در شیعینان مبارک باد

هنگامی یک ملت می تواند به رشد و اعتلا برسد که علم را وسیله عزت ملی خود قرار دهد. (امام خامنه ای)

روز ملی فناوری هسته ای گرامی باد

شماره ششم

«تفکر حقیقی، همان تفکر حضوری است که ذکر است و ذکر نیز نه آن چنان است که به کوشش خود حاصل آید. حضور عین ذکر است و تقرب است و غفلت عین بُعد است.»

«سید شهدای اهل قلم سید مرتضی آوینی»

۲۰ فروردین سالروز وصالش به معشوق گرامی باد

دفاع همچنان باقیست، جنگ جنگ نرم فرهنگیست

جواب کار فرهنگی باطل کار فرهنگی حق است
عرصه فرهنگی عرصه جهاد است
«رهبرم سید علی خامنه ای»

سخن نخست:

سلام، سال ۱۳۹۳ آغازی فاطمی دارد و عطر یاس، مشام جان را می نوازد.

آب زیند راه را، اینکه نگار می رسد / مژده دهید باغ را بوی بهار می رسد، ای آبروی آب و آینه!

امروزمان را به نام تو متبرک کرده ایم تا فردایمان را به برات نایید، اطمینان بخشی. ای فرزند باران!

در مقدم تو سرود رود جاری است و خورشید روزش را با اعتباری دیگر آغاز کرده است. تو آمدی و آفرینش دلیل خود را یافت و هم، تقوا اسوه حسنه اش را در عالم امکان.

امیدواریم سالی که رهبر انقلاب آن را «اقتصاد و فرهنگ؛ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نامیده اند با عنایت ام الائمه فاطمه زهرا سلام الله علیها سالی سرشار از برکت، معنویت و پیروزی باشد و بتوانیم بیش از گذشته در راه رسیدن به آرمانهای انقلاب اسلامی مان خدمت کنیم.

بهاره بصارتی (مدیر مسئول)

مادم روی مت روح و روان است مرا مروت وقت تن، وقت جان است مرا
دل اندیشه تو گنج نمان است مرا یک نگاه تو به از هر دو جهان است مرا
فادغم با تو ز هر خوب و بد ای پاک سرشت زیر پای تو نهاد است خدا باغ بهشت
همه آثار وجودم ز وجود تو بود به خدا بود من از پر تو بود تو بود

روز باغ مبارک

خاری در چشم دشمن:

«جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ فروردین ماه ۱۳۸۵ برابر با ۹ آوریل ۲۰۰۷ از طریق افتتاح پروژه راه اندازی دومین مجموعه جدید سانتریفیوژهای تأسیسات هسته ای نطنز با ورود به مرحله صنعتی غنی سازی اورانیوم، به بزرگ ترین دستاورد تاریخ خود دست یافت.»

این خبر در حالی موج شور و شغف حاصل از سربلندی و پیروزی را به رگ های کشور تزریق کرد که سخنگوی کاخ سفید در مقابل این توانمندی ایرانیان، آنان را تهدید به منزوی تر شدن در جامعه جهانی و اعمال تحریم های بیشتر سیاسی و اقتصادی کشورشان کرد. وزیر امور خارجه بریتانیا این پیروزی ملت ایران را نادیده گرفتن خواست جامعه جهانی قلمداد کرد و وزیر امور خارجه فرانسه اعلام کرد، اگر این روند ادامه یابد، باید تحریم های سخت تری بر ایران اعمال شود. رسیدن به این مرحله از دانش روز با وجود محاصره شدید اقتصادی از سوی غرب، نمایانگر اراده ملت همیشه سربلند ایران برای فتح قله های علمی و رسیدن به استقلال بی قید و شرط است. واقعیت این است که کشورهای قدرتمند جهان، هرگز سربلندی و استقلال ایران را خواهان نبوده، نگاهی اجمالی به تاریخ گذشته نشان می دهد، هرگاه ملت ایران دست بر زانوهای خود زده و آماده انجام دادن تحولی عظیم گردیده، آنها با شدت در مقابل ایران صف کشیده اند. باور دستیابی کشوری از منطقه خاورمیانه با وجود تحریم های طولانی مدت به چرخه کامل سوخت هسته ای، آن هم با تکیه بر همت دانشمندان جوان داخلی، برای غرب تبدیل به کابوسی دهشتناک شده است؛ تا جایی که برای توقف فعالیت های غنی سازی ایران تاکنون قطع نامه های مختلف چون ۱۷۳۷، ۱۶۹۶ و ۱۷۴۷ را در شورای امنیت سازمان ملل تصویب کرده اند. با وجود تمام این تلاش های نافرجام قدرتمندان جهان، ملت ایران همچون ملی شدن صنعت نفت، دوران مبارزه با استبداد ستم شاهی و هشت سال دفاع مقدس، بر سر خواسته های خود پافشاری خواهد کرد تا به آنچه حق مسلم مردم و سرزمینش است، دست یابد. ملت همیشه در صحنه ایران، اثبات کرد که اراده راسخ ملی ایرانیان در زمینه علوم پیشرفته روز دنیا نیز به ثمر خواهد نشست و حیات توأم با عزت، نتیجه شیرین پافشاری بر خواسته های بحق ایرانیان است.

روز ولادت زهرائی مرضیه که روز زن است، روز پیروزی زن است و روز نمونه زن در عالم است. زن نقش بزرگی در اجتماع دارد. زن مظهر تحقق آمال بشر است. زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است. روز بزرگی است، یک زن در دنیا آمد که مقابل همه مردان است. یک زن به دنیا آمد که نمونه انسان است. یک زن به دنیا آمد که تمام هویت انسانی در او جلوه گر است. پس روز، روز بزرگی است؛ روز شما زنان است.

(صحیفه امام، ج ۷، ص: ۳۴۱)

من شنیدم که شامش بباری آقا بدل ختم ما مبرو قراری آقا
عمریکال گذشت و خبری از تو نشد، هوس آمدن این جمعه نداری آقا؟
در میاهوی شب عید تو را کم کردیم غافل از اینکه شامش بباری آقا!!!

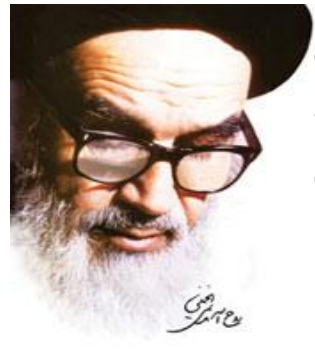
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:
امامان بعد از من دوازده نفر هستند، ای علی اول آنان تو هستی و آخر آنها هم قائم است که خداوند بدست وی شرق و غرب عالم را خواهد گشود.
زندگانی چهارده مضمون علیه السلام / ص ۵۱

من نویسم که شب تار ستم من گردد
یک نفر مانده از این قوم که بر من گردد

سالروز اعلام انقلاب فرهنگی

دوم اردیبهشت سالروز اعلام انقلاب فرهنگی به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، نیاز به تحول عمیق در فرهنگ های وارداتی در جامعه و خصوصاً در نظام آموزشی و فرهنگی کشور احساس می شد؛ چرا که نظام آموزش کشور که پایه فرهنگ جامعه می باشد، تحت سلطه استعمار پایه ریزی شده بود و تأمین کننده نیازهای اساسی جامعه اسلامی و مبتنی بر فرهنگ اسلامی نبود. از این رو در ابتدای انقلاب، گروه های مختلف وابسته به غرب و شرق، دانشگاه را پایگاهی برای اشاعه عقاید انحرافی خود و نیز کانون مقابله با دانشجویان انقلابی و مسلمان قرار داده بودند و دانشگاه به صحنه زد و خورد و ضرب و شتم گروهک ها بدل شده بود در بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۵۹ ش، منافقین و گروهک ها با حمله به دانشگاه تربیت معلم و ضرب و شتم دانشجویان مسلمان، کنترل دانشگاه را در دست گرفتند. شورای انقلاب ۳ روز به آنها مهلت داد تا افاقا و ستادهای عملیاتی خود را از دانشگاه ها خارج کنند. مردم به منظور مقابله با گروهک ها به راهپیمایی پرداختند و در روز دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ هجری شمسی درحالی که منافقین به سلاح گرم و سرد مسلح بودند، مردم موفق به شکست آنها شدند و دانشگاه را تصرف کردند که این حرکت مورد تأیید امام (ره) قرار گرفت.

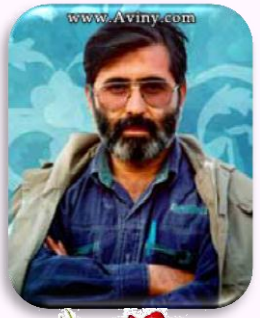
پس از آن، ضرورت ایجاد می کرد تا دانشگاه ها برای مدتی تعطیل باشد تا تغییر و تحولی اساسی در تمام نظام آموزشی کشور انجام شود، از این رو دانشگاه ها از آن روز تعطیل شدند تا با مطالعه و دقت و فرصت کافی، تحولی بنیادین و اساسی در نظام دانشگاهی کشور پدید آید. این وظیفه به عهده ستاد انقلاب فرهنگی محول گردید تا این که دانشگاه ها در بیست و هفتم آذرماه ۱۳۶۱ ش در سالروز وحدت حوزه و دانشگاه، بازگشایی شدند. این حرکت با هدف اسلامی کردن دانشگاه ها و خارج ساختن عوامل طاغوتی بود که به انقلاب فرهنگی موصوف گردید. عمده ترین اهداف انقلاب فرهنگی، تجدید نظر در نظام آموزش و ساختار دانشگاه ها و متحول ساختن آن متناسب با نیازهای کشور و تأمین استقلال سیاسی، اقتصادی و رهایی از وابستگی به شرق و غرب و نیز تصفیه دانشگاه ها از عناصر وابسته به استعمارگران و ابرقدرت ها و به طور کلی از عناصر ضد انقلاب بود.



من قبلا هم گفته ام ، همه توطئه های جهانخواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است .
تا ما نگوئیم که اسلام جوابگوی جامعه است .
(صحیفه امام ج ۲۱ ص ۲۹۰)



« ولایت فقیه تنها صورتی است که می تواند به حکومت اسلام فضیلت بخشد. فقیه انسانی است که حقیقت دین در وجود او تبیین یافته است و قدرت استنباط احکام عملی دین را از سرچشمه های حقیقت که کتاب و سنت است داراست » شهید مرتضی آوینی



به بهانه سالروز شهادت
گفتم: دلم بیقرار است و نا آرام و تو گفتی: « قرار دل عشاق در بی قرار است » گفتم: این چه سری است که اینچنین سرگشته ایم در برزخ میان عقل و عشق؟ و تو گفتی: « این هر دو عقل و عشق را خداوند آفرید تا وجود انسان در حیرت میان عقل و عشق معنا شود ». یادت هست که چگونه مسحور سخنان گشته بودم و چقدر دلم میخواست که چون تو بگویم و بنویسم و وقتی از تو پرسیدم که آیا فلسفه خوانده ای؟ و تو در جوابم گفتی: « باید پذیرفت که تظاهر به دانایی هرگز جایگزین دانایی نمیشود و حتی از این بالاتر ، دانایی نیز با تحصیل فلسفه حاصل نمیشود ». یادت هست وقتی در نگاهم شک را دیدی و من شرمسار چشمم را فرو بستم گفتی: « تا شک نباشد کی میتوان به یقین رسید و تا شب نباشد کی میتوان به حقیقت نور واصل شد ». گفتم: چرا اینگونه؟ چرا خون؟ و تو گفتی: « در عالم رازی هست که جز به بهای خون فاش نمیشود ».

تو خود از یک «راه طی شده» گفته ای اینکه چطور از کامران آوینی به مرتضی آوینی رسیدی و مسحور اندیشه های امام روح الله خمینی دچار تحول و انقلاب درونی شدی و شدی یک انقلابی و مسیر زندگی خود را تغییر دادی و خالق مستند روایت فتح شدی مستندی که معجزه پرواز داشت. گفتم: سید بگو که حب حسین با تو چه کرد که اینگونه مستند و نوشته های تو معشوق و کربلا می دهد و دل بیقرارم را بیقرارتر میکند. گفتی ... «با شروع انقلاب تمام نوشته های خویش را ، اعم از تراوشات فلسفی ، داستان های کوتاه ، اشعار و ... ، در چند گونی ریختم و سوزاندم و تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که "حدیث نفس" باشد ننویسم و دیگر از "خودم" سخنی به میان نیآورم ... سعی کردم که "خودم" را از میان بردارم تا هرچه هست خدا باشد و خدا را شکر بر این تصمیم وفادار مانده ام . البته آن چه که انسان می نویسد همیشه تراوشات درونی خود اوست همه هنرها این چنین هستند کسی هم که فیلم می سازد اثر تراوشات درونی خود اوست اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند ، آن گاه این خداست که در آثار او جلوه گر می شود حقیر این چنین ادعایی ندارم ولی سعیم بر این بوده است». چگونه با معشوق نجوا کردی؟ چگونه خواستی و رسیدی وقتی اینگونه نوشتی: **ای شقایق های آتش گرفته ، دل خونین ما شقایقی ست که داغ شهادت شما را بر خود دارد آیا آن روز نیز خواهد رسید که بلبلدی دیگر در وصف ما سرود شهادت بسراید؟...**

یادت هست روزگاری در مورد دوستانت گفته بودی که بر کرانه ازلی و ابدی وجود نشسته اند. حالا خودت هم در آن لا زمان و لامکان تاریخ نشسته ای و ماهم خوب در بطن تاریخ غوطه وریم. خوب به روز مرگی افتاده ایم و خوب شما را یادمان رفته. سید برایمان دعا کن

فضیلت و خواص ذکر یونسیه :

ذکر یونسیه یعنی گفتن: «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» سوره انبیاء آیه ۸۷.
آثار و برکات ذکر یونسیه :

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم : هر بیمار مسلمانی که این دعا را بخواند ، اگر در آن بیماری (بهبودی نیافت و) مرد پاداش شهید به او داده می شود و اگر بهبودی یافت خوب شده در حالی که تمام گناهانش آمرزیده شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم : آیا به شما خبر دهم از دعایی که هرگاه غم و گرفتاری پیش آمد آن دعا را بخوانید گشایش حاصل شود؟ اصحاب گفتند: آری ای رسول خدا. آن حضرت فرمود: دعای یونس که طعمه ماهی شد: «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین»

امام صادق علیه السلام فرمودند: تعجب می کنم از کسی که دچار غم و اندوه شده است اما به این سخن پناه نمی برد ، «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» زیرا که حق تعالی در دنباله آن فرموده: " و نجیناه من الغم و کذلک نجی المؤمنین " یعنی ما او را " حضرت یونس را به سبب این سخن " از غم و اندوه نجات دادیم و اینگونه ما مؤمنان را نجات می بخشیم.

مرحوم کلینی نقل می کند: مردی خراسانی بین مکه و مدینه در ریزه به امام صادق علیه السلام برخورد و عرضه داشت : فدایت شوم من تا کنون فرزند دار ، نشده ام ، چه کنم ؟ حضرت فرمود: هرگاه به وطن برگشتی و خواستی به سوی همسرت روی آیه (۸۷) سوره انبیا) را بخوان انشاء الله فرزند دار خواهی شد .

موقع نماز که می شود

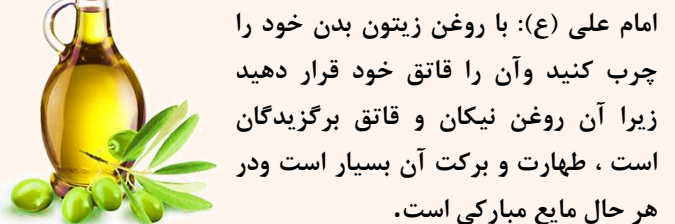
فرشته چپ و راست عزا می گیرند که چه کنند
«ایاک نعبد و ایاک نستعین»
را جزء حرف های خوبمان بنویسند یا دروغ هایمان!

پیام بهداشتی :



زیتون

رسول خدا(ص) به حضرت علی (ع) فرمودند: از روغن زیتون بخور و آن را به بدن خود بمال؛ هر کس روغن زیتون بخورد ، چهل روز از شیطان در امان خواهد بود.
امام صادق(ع): زیتون باد بدن را از بین می برد.
زیتون قوای جنسی را زیاد می کند.
سرکه و روغن زیتون خوراک ما و پیامبران است.
امام رضا (ع): زیتون غذای خوبی است ، دهان را خوشبو می کند و بلغم را می زداید و رنگ چهره را روشن می گرداند و اعصاب را محکم ساخته ، خشم و غضب را فرو می نشاند.
پیغمبر اکرم (ص): روغن زیتون بخورید، زیرا صفرا و سودای بدن را متعادل می سازد ، بلغم را از بین می برد ، اعصاب را قوی و انسان را خوش اخلاق و نیک نفس می کند ، غم و اندوه را بر طرف می نماید.



امام علی (ع): با روغن زیتون بدن خود را چرب کنید و آن را قاتق خود قرار دهید زیرا آن روغن نیکان و قاتق برگزیدگان است ، طهارت و برکت آن بسیار است و در هر حال مایع مبارکی است.
*زیتون میوه مقدسی است که خداوند متعال در شش آیه از قرآن کریم از آن نام برده و به آن قسم یاد می کند و در میان مردم جهان معروف به درخت صلح است.

تفکر تکفیری ۳ (ادامه از شماره قبل)

مؤلفه های تکفیر

تکفیر از چه عناصری تشکیل شده است؟ شناختن این عناصر به افراد و مجموعه ها کمک می کند تا از نزدیک شدن به فضای تکفیر پرهیز کنند. دو مؤلفه مهم تکفیر عبارت است از «جهل» و «عصر روحی و روانی» .

۱. جهل

« جهل » گاهی در مقابل «عقل» ، گاهی در مقابل «علم» و گاهی در مقابل « فقه » به کار گرفته می شود. البته هم پوشانی هایی هم بین این مفاهیم وجود دارد. در این جا منظور ما از جهل ، مفهومی در مقابل فقه است. تکفیری ها فقیه نیستند و فقهی هم ندارند. اصولاً تکفیر نه در فضای فقه ، بلکه در فضای جهل شکل می گیرد. منظور ما از فقه در این جا معنای مصطلح امروزی آن نیست ، بلکه همان فقهی مقصود ما است که در صدر اسلام بوده و سه شعبه داشته است: فقه رفتار ، فقه نفس و فقه وجود .

امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است؛ ابائی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ این ها سم هستند. این سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد . (بیانات رهبر انقلاب در جمع روحانیون کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰)

فقه رفتار، احکام پنج گانه واجب ، حرام ، مستحب ، مکروه و مباح را تبیین می کند. فقه نفس ، انسان را از گرفتار شدن در زندگی دنیایی و غفلت از سعادت اخروی باز می دارد و او را به تهذیب و توجه به آخرت سفارش می کند. اما فقه وجود ، فقهی است که به انسان سعه و گستره می بخشد . فقه وجود ، فرد را به خدا به عنوان منشأ وجود ، رحمت و لطافت و خالق همه زیبایی ها و جمال ها و خوبی ها مرتبط می کند. کسی که از فقه وجود بی بهره باشد ارتباط او با خدا ارتباطی تشریفاتی است. اعمال دینی او باعث تحول در او نمی شود. او نمی تواند تجلی زیبایی های ارتباط با خدا و وجه معنوی و رحمانی خدا باشد .

فقه وجود باعث می شود که دین برای انسان ها صرفاً یک مناسک نباشد. در روایات داریم که: «هل الدین الا الحب؟» آیا دین چیزی جز محبت و علاقه است؟ دین می خواهد یک محبت ویژه در انسان نسبت به خدا ایجاد کند تا او کانون محبت به خدا باشد و از آن محبت ، محبت هایی به دیگر انسان ها بترآورد. در روایت دیگری به نقل از حضرت امیر علیه السلام آمده است که « آن کسی فقیه کامل است که مردم را از رحمت خدا مأیوس نکند». این آموزه ها جزء ادبیات دینی ما است .

ما باید مراقب باشیم که فقط فقه رفتار را به میدان نیاوریم. اگر فقه رفتار که خیلی هم لازم است به تنهایی به میدان بیاید و آن فقه وجود و فقه اساسی که انسان را با خدا از درون مرتبط می کند نه از بیرون ، ممکن است انسان ها با رحمت خدا نتوانند ارتباط قلبی و درونی پیدا کنند. متأسفانه این ادبیات دینی ، به دلیل تعطیل شدن فقه وجود ، کمرنگ شده است .

باید کاری کرد تا خشکی ها و عطش های روحی جامعه برطرف شود. جامعه خشک و تشنه زمینه ساز شکل گیری تکفیر است. محبت خدا در دل های خشن جایی ندارد. خدا در این جامعه وسیله ای می شود صرفاً برای سختگیری.

مشکل تکفیری ها این است که به هیچ کدام از این سه شعبه فقهی قائل نیستند. اگر کسی با دین مرتبط بشود و به فقه کاری نداشته باشد، این ارتباط او می شود جهل ، و دین او می شود منشأ سخت گیری . او گمان می کند به دین متصل است ، در حالی که آن چه او دارد دین نیست. او نه با خدای این دین مرتبط شده ، نه احکام این دین را فهمیده ، نه به مسیر آینده که آخرت است مرتبط شده و نه از جهنم هراس دارد. (ادامه در شماره بعد)

مدیر مسئول : بهاره بصارتی (مسئول پایگاه مقاومت بسیج حضرت زینب (س) بیمارستان رازی)
سر دبیر : خانم معصومه آقایی
اعضای هیات تحریریه : آقای عباس پور وحدانی ، خانم رقیه جنابی ، خانم اشرف رحیمی ، خانم معصومه اجدادی ، خانم لیلا میرزایی ، خانم لیلا نیکبخت

در صورت تمایل به همکاری در این نشریه فرهنگی
میتوانید جهت ارائه مطلب و تعیین زمینه همکاری و یا ارائه
پیشنهاد از طریق آدرس اینترنتی زیر با ما در تماس باشید
nashri ehoora@gmail.com